

گزارش

چهار استیضاح، یک پیام سیاسی؛ مجلس در برابر دولت پژوهشگران صفت می‌کشد

آیا استیضاح‌ها مهندسی سیاسی است؟

داوود حشمتی؛ مجلس در تدارک استیضاح چهار وزیر است؛ آن‌هم درحالی‌که دولت هنوز فرصت نیافته تصویر خود را در آینه سیاست داخلی بعد از استپ‌یک و بازگشت قطع‌نامه‌های سازمان ملل تثبیت کند. نام‌ها کم‌کم روشن شدند؛ عباس علی‌آبادی وزیر نیرو، احمد میدری وزیر راه، غلامرضا نوری‌فرلجه وزیر جهاد کشاورزی و فرزانه صادق‌مال‌الواجدر وزیر راه و شهرسازی؛ چهار حوزه‌ای که هرکدام در متن زندگی مردم حضور مستقیم دارند؛ آب و برق، یارانه و معیشت، غذا و تولید کشاورزی و نهایتاً مسکن. همین ترکیب کافی است تا بداییم ماجرا فقط یک «اختلاف فنی» نیست، بلکه یک منازعه تمام‌عیار بر سر جهت‌گیری دولت است.

چهار نام، چهار جبهه فشار

دالایل این استیضاح‌ها هم بیشتر از آنکه به مدیریت شخصی آنها بازگردد، به وضع و اوضاعی مربوط می‌شود که خود این مدیران هم از آن شکایت دارند اما کار خاصی نمی‌توانند برای آن انجام دهد. به‌عنوان مثال علی‌آبادی که از وزرای دولت رئیس هم بود، از شاکیان اصلی ناترازی انرژی است. اما خود او و دیگران که دست به استیضاح او زدند هم به‌خوبی می‌دانند که این ناترازی به‌جامانده از دولت قبل است. درباره چهار وزیری که اکنون در تیرس مجلس قرار گرفته‌اند، دلایل ظاهری مشخص است؛ باین‌حال، آنچه در سطح افکار عمومی بازتاب یافته، بیش از همه به حوزه‌هایی برمی‌گردد که مستقیماً با زندگی مردم گره خورده‌اند. در وزارت نیرو، مجموعه‌ای از قطعی‌های مکرر برق و هشدارها درباره «تاتاری انرژی» بهانه‌ای شد برای فشار به عباس علی‌آبادی، هرچند کارشناسان می‌گویند بخش عمده این ناترازی ریشه در سیاست‌گذاری‌های سال‌های گذشته دارد، اما در فضای سیاسی، مسئول همیشه کسی است که در صندلی فعلی نشسته است. در وزارت راه، نارضایتی‌ها از وضعیت بازار کار و ناکامی در اجرای طرح‌های معیشتی، دستاویز تازه‌ای شد برای تندروهایی که از روز اول به احمد میدری بدبین بودند. طرح‌های اصلاحی او در ساختار بیمه و یارانه‌ها، برای آنان بیش از حد «کنترل‌ناپذیر» جلوه کرد؛ گوئی هر اصلاحی که با جیب دولت و مردم سروکار دارد، حتماً باید سیاسی تفسیر شود. در وزارت جهاد کشاورزی، سایه خشک‌سالی و بحران آب سنگین‌تر از همیشه است. از کاهش تولید گندم تا نابسامانی در تأمین نهاده‌های دامی، همه به نام غلامرضا نوری‌فرلجه نوشته شد. مخالفان می‌گویند او در مدیریت منابع آبی و کنترل بازار محصولات کشاورزی ناکام بود، اما حامیانش می‌گویند مجلس از او انتظار معجزه در میانه فاجعه‌ای چندساله دارد. و سرانجام در وزارت راه و شهرسازی، عملکرد مدیریت در بنادر و شهرسازی، مجموعه‌ای از پرونده‌ها را روی میز استیضاح فرزانه صادق‌مال‌الواجد گذاشته است. زنی که حضورش در کابینه از ابتدا برای بخشی از مجلس خوشایند نبود، حالا با کوچک‌ترین حدته‌ای به نماد ناکارآمدی معرفی می‌شود.

روایتی مشترک با چهره‌های متفاوت

در ظاهر، هر وزیر با پرونده‌ای متفاوت روبه‌رو است، اما در باطن، همه آنها گرفتار یک روایت مشترک‌اند، روایتی که بیش از آنکه بر «اصلاح عملکرد» تمرکز کند، می‌خواهد به دولت نشان دهد که مجلس می‌تواند، اگر بخواهد، هم‌زمان در چهار جبهه آتش بکشد. در این میان، برخی از این استیضاح‌ها تاژگی ندارند. احمد میدری هم مدت‌هاست در تیرس مجلس است. او از معهود وزرای است که تلاش کرد سیاست رفاهی دولت را از مذل پرداخت‌های نقدی به سمت سیاست‌های بازتوزیعی و ساختاری برده؛ تغییری که برای طیف‌های پوپولیست مجلس به معنای «دست‌بردن در جیب رای مردم» تلقی شد. مخالفت با او نه‌فقط اقتصادی، بلکه عمیقاً سیاسی است. اما غلامرضا نوری‌فرلجه، وزیر جهاد کشاورزی، چه دیگری از این نبرد را نشان می‌دهد. او برخلاف سه وزیر دیگر، خود از بدنه مجلس برآمده و سال‌ها نماینده بوده است. همین پیشینه، تضادها را شدیدتر کرده؛ چراکه او بیش از هرکس دیگری می‌داند چطور با زبان مجلس حرف بزند، اما همین نزدیکی باعث شده انتقادها به عملکرد اولیه‌اش در کنترل بازار محصولات کشاورزی و نهاده‌ها، رنگ‌وبوی شخصی‌تری بگیرد. و سرانجام فرزانه صادق‌مال‌الواجد، نخستین زنی که پس از سال‌ها در جایگاه وزیر راه و شهرسازی نشسته است، او در فته‌های اخیر با موجی از حملات رسانه‌ای و سیاسی مواجه بوده؛ از ناتمام ماندن پروژه‌های «نهضت ملی مسکن» گرفته تا اختلاف‌نظر با مجلس درباره سیاست زمین و تراکم. برای تندروهای مجلس، وزارت مسکن همیشه سنگر مهمی بوده؛ جایی که پروژه‌های عمرانی می‌تواند به برگ انتخاباتی بدل شود.

چنارها و پاچوش‌ها؛ مجلس امن دوارودگاه

درون مجلس صفت‌بندی‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفته است. اگرچه تا پیش از این مرزا روشن بود و جریان موسوم به وفاق در مجموع با دولت همراهی می‌کرد، اما از ماجرای استیضاح عبدالناصر همتی به بعد، این نظم درونی به هم خورد. آن پرونده نقطه عطی بود که نشان داد شکاف در اردوگاه اصولگرایان عمیق‌تر از آن است که تصور می‌شد. اکنون هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند جریان اصلی اصولگرایان -همان‌ها که در محافل سیاسی به «چنارها» معروف هستند- در این نبرد تازه کنار دولت خواهند ایستاد یا به اردوگاه پاچوش‌ها، یعنی طیف تندرو و کنترل‌ناپذیر مجلس، خواهند پیوست. اما اهمیت ماجرا فقط در صفت‌بندی‌ها نیست؛ در زمان‌بندی و ابعاد حمله هم باید دقت کرد. مجلس این بار نه‌تنها تصمیم گرفته دولت را به چالش بکشد، بلکه آن را به صورت ناگهانی و در چهار جبهه هم‌زمان انجام داده است. هیچ‌گونه تدریج یا آزمون سیاسی در کار نیست؛ گوئی تصمیم گرفته‌اند یکپاره چرخ‌دنده‌های دولت را از حرکت ببندازند. استیضاح چهار وزیر در فاصله‌ای کوتاه، آن‌هم در ماه‌های نخست عمر دولت، بیش از آنکه نشانه نگرانی از عملکرد باشد، بوی مهندسی سیاسی می‌دهد؛ تلاشی برای بازتعریف نسبت قدرت میان مجلس و دولت.

درمیدان سیاست داخلی، پژوهشگران تهاتس؟

درواقع این بار نه‌فقط عملکرد وزرا، بلکه انسجام دولت پژوهشگران هدف گرفته شده است. مجلس می‌خواهد نشان دهد می‌تواند اگر بخواهد، همه چیز را هم‌زمان متوقف کند. این همان پیام خطرناکی است که اگر به رویه تبدیل شود، دولت دیگر نه در میدان سیاست خارجی، بلکه در درون خانه خود زمین‌گیر خواهد شد. اما در این جدال، وجه دیگری نیز وجود دارد. پژوهشگران کوشیده از نخستین روزهای دولتش، زبان‌گفت‌وگو را جایگزین تنش کنند؛ چه در سیاست خارجی و چه در تعامل با نهادهای قدرت. استیضاح‌های پیاپی در ماه‌های ابتدایی دولت، در نگاه افکار عمومی نشانه‌ای از بازگشت به همان سیاست فرسایشی گذشته است؛ سیاستی که هر دولتی را بیش از استقرار به میدان درگیری‌های داخلی می‌کشاند. در سطح بین‌المللی نیز این استیضاح‌ها معنای خاص خود را دارند. درست در زمانی که دولت در حال بازسازی تصویر یک «ایران باثبات» در عرصه جهانی است، چنین رخدادهایی پیامی معکوس مخابره می‌کنند؛ نااهم‌انگی درون ساختار قدرت. شرکای اقتصادی، از روسیه تا چین و حتی کشورهای منطقه، با دقت این تحولات را رصد می‌کنند. اکنون نوبت مجلس است که خود را تکلیف خود را روشن کند؛ آیا قرار است نهاد ناظر بماند یا بازپرس؟ آیا می‌خواهد با عقلایت در برابر دولت بایستد یا با صفت‌بندی‌های پاچوش‌وار، هر گام دولت را به چالش بکشد؟ پژوهشگران هنوز در آغاز راه است، اما نشانه‌ها می‌گویند او باید میان دو مسیر یکی را انتخاب کند؛ ادامه مسیر گفت‌وگو یا ورود به بازی قدرتی که سال‌هاست دولت‌ها را در میانه راه بلعیده است.

نگاهی به آینده مناسبات ایران و اروپا بعد از بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت در گفت‌وگو با علی ماجدی

دیپلماسی بدون تروئیکا

علی ماجدی: حذف هیج کشوری از سیاست خارجی منطقی نیست

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ اقدام اخیر سه کشور اروپایی در بازگرداندن تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت علیه ایران، در واقع به معنای فروریختن آخرین لایه اعتماد سیاسی میان تهران و پایتخت‌های اروپایی است. این رویداد نه‌تنها برجام را عملاً از حیز انتفاع خارج کرده، بلکه به بازتعریف راهبرد سیاست خارجی ایران منجر می‌شود. اکنون در فضای دیپلماسی تهران این گزاره قوت گرفته که باید آلمان، فرانسه و بریتانیا از پرونده هسته‌ای کنار گذاشته شوند؛ چراکه این سه بازیگر در عمل به معربان سیاست فشار حداکثری غرب بدل شده‌اند. با این حال، کنارزدن اروپا به‌طور کامل، در عین جذابیت نماندین، ریسک‌های خود را دارد. اروپا اگرچه قدرت سیاسی یکپارچه‌ای نیست، اما در نهادهای بین‌المللی، از آژانس گرفته تا شورای حکام، همچنان نقش تعیین‌کننده دارد و حذف کامل آن می‌تواند عرصه تصمیم‌سازی را به نفع آمریکا یک‌قطبی کند. در مقابل، برخی ناظران معتقدند بازگشت قطع‌نامه‌ها برای تهران نوعی «توفیق اجباری» است؛ چراکه عملاً مسیر سیاست چندرذاری ایران را روشن‌تر می‌کند. اکنون با افزایش هماهنگی راهبردی میان تهران، مسکو و پکن و در عین حال وجود روزه‌های ارتباط غیرمستقیم با واشنگتن، ایران می‌تواند از قالب دوگانه «مذاکره با اروپا و آمریکا» خارج شده و به سمت سه‌ضلعی جدید قدرت «آمریکا، چین و روسیه» حرکت کند. این تغییر، اگر با عقلانیت و اجتناب از تقابل‌های هیجانی همراه باشد، می‌تواند به بازتعریف وزن ژئوپلیتیکی ایران در نظام بین‌الملل منجر شود. بنابراین در راستای بررسی چشم‌انداز روابط ایران و اروپا و واکاوی پیامدها و هزینه‌های احتمالی کنارگذاشتن تروئیکا از پرونده هسته‌ای، به گفت‌وگو با علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان و ژاپن، نشسته‌ایم تا ارزیابی دیپلماتیک و تحلیلی او را در این زمینه جویا شویم.

دقت کنید که اکنون فضا کاملاً متفاوت شده است. با وجود تمام مخالفت‌ها، فرانسه، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، کشور فلسطینی را به رسمیت شناخته‌اند، شهرک‌نشینان تندرو اسرائیل را تحریم می‌کنند و عملاً هم خواستار پایان کشتار و جنایت در غزه هستند و آن را محکوم می‌کنند. اما آنچه گفتید درست است؛ تا زمانی که آمریکا موافقت نکند، گام ملموس و عملی برای پایان جنگ غزه برداشته نخواهد شد. پس در پاسخ به پرسش قبلی شما، اگرچه جنگ غزه یک موضوع فراتلانتیکی است، اما بین اروپا و آمریکا اختلافات جدی وجود دارد، همان‌گونه که در موضوع جنگ اوکراین هم اختلافاتی بین اروپا و آمریکا وجود دارد. این جنگ برای اروپایی‌ها جنبه حیاتی و حیثیتی دارد. در نشست آل‌سکا و دیدار بین پوتین و ترامپ، قرار بر این شد که آمریکا یک‌طرفه بخشی از خاک اوکراین را واگذار کند، اما با مخالفت جدی اروپایی‌ها مواجه شد. حالا نکته مهم‌تری که باید به این تحلیل اضافه کرد، اجلاس اخیر شانگهای و رزمایش بزرگ چین بود که به نظر من، اکنون دوباره دو بلوک شرق و غرب را احیا کرده است. حالا این دو بلوک چه مناسباتی رقم می‌زنند و چه آینده‌ای را ترسیم می‌کنند، موضوعی است که باید در یک مصاحبه جداگانه به آن ورود کرد، اما اختلافات فراتلانتیکی اروپا و آمریکا در جنگ غزه و جنگ اوکراین و همچنین بالانس دوباره بلوک شرق و غرب، یک نظم جدید تعریف کرده است.

❌ **با این حرف من نیست، خود عباس عراقچی هم بارها نوشته و گفته است که اگر قطع‌نامه‌ها بازگردند، برای اروپا همه چیز از دست خواهد رفت...**
فارغ از اینکه چه کسی چه چیزی گفته است، باید نگاه کنیم که اکنون پرونده هسته‌ای ایران به موازات دو اتفاق مهم در صحنه جهانی مطرح شده و اتفاقاً با بررسی و تحلیل این فضای کلی‌تر است که می‌توان به این جمع‌بندی رسید که از این به بعد آیا اروپایی‌ها می‌توانند در پرونده هسته‌ای ایران نقش آفرینی داشته باشند یا خیر؟

❌ **یعنی معتقدید حل‌وفصل و مدیریت پرونده هسته‌ای در گرو دو اتفاق مهمی است که در صحنه جهانی روی داده و تا زمانی که آنها حل‌وفصل نشوند، ما با بین‌ست مواجه هستیم؟**
اول اجازه دهید اتفاقات را مرور کنیم تا در مورد سؤال شما هم به جواب برسیم. ما اکنون دو اتفاق یا بهتر بگوییم دو جنگ بسیار مهم در صحنه جهانی داریم که همه چیز را تحت تأثیر قرار داده است. اول، موضوع فلسطین و مشخصاً جنگ غزه است. با پیشنهاد جدید ترامپ، مذاکرات در مصر در حال جریان است. موضوع دوم، جنگ اوکراین است که حالت فرسایشی پیدا کرده و هیچ‌کدام از طرفین هم نتوانسته‌اند از طریق مذاکره به نتیجه برسند. در کنار این دو جنگ، پرونده هسته‌ای ایران هم قرار دارد. هرچند در مناسبات جهانی، قطعاً موضوعات، اتفاقات و پرونده‌های دیپلماتیک دیگر دوجانبه و چندجانبه وجود دارد، اما به نظر من، جنگ غزه، جنگ اوکراین و پرونده هسته‌ای ایران، اکنون سه سرفصل مهم دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌روند. اتفاقاً پرونده هسته‌ای ایران نسبت به جنگ غزه و جنگ اوکراین، موضوع قدیمی‌تری است؛ موضوعی که در نهایت با مذاکرات این پنج قدرت دائمی شورای امنیت به اضافه آلمان و ایران، به نتیجه رسید و برجام را شکل داد. پس پرونده هسته‌ای ایران یک موضوع جهانی بود که موجب شد قدرت‌های تأثیرگذار دنیا به آن ورود کنند. از طرف دیگر، حدود ۱۰ ماه است که دونالد

ترامپ به کاخ سفید بازگشته و در این بین توانسته برخی پرونده‌ها مانند جمهوری آذربایجان و ارمنستان یا هند و پاکستان را به نتیجه برساند، اما همین سه موضوعی را که اشاره کردم، یعنی جنگ غزه، جنگ اوکراین و پرونده هسته‌ای، تاکنون به نتیجه نرساده است. ❌ **تصور ترامپ چیز دیگری است. او مدعی است با بمباران تأسیسات اتمی ایران، اکنون این پرونده از دستور کار خارج شده و اگر بنا به گفت‌وگوی دیگری باشد، باید روی موشکی و منطقه‌ای باشد.**
آن چیزی که ترامپ تصور می‌کند با آن چیزی که در صحنه عمل روی داده، کاملاً متفاوت است و اتفاقاً خود دونالد ترامپ هم به این موضوع آگاهی دارد. به همین دلیل است که می‌گوییم جنگ اوکراین، جنگ غزه و پرونده هسته‌ای ایران محدود و در نهایت عملیاتی کردند. ضمن آنکه اگر دقت کرده باشید، یکی از شروط اروپایی‌ها در مقوله مکانیسم ماشه، به آقاآز مذاکرات ایران و آمریکا بازمی‌گردد و این نشان می‌دهد که در پشت پرده، اروپا امتیازات خود را به آمریکا

این نکته مهم که نظم جدید باعث شده است در هر حال اروپا باید به آمریکا امتیاز بدهد. حساس‌ترین و مهم‌ترین و حیاتی‌ترین پرونده به جنگ اوکراین بازمی‌گردد. اگر اروپایی‌ها می‌خواهند اوکراین شکست نخورد و سرزمین‌های خود را به روسیه واگذار نکنند، باید در مسیر مدنظر آمریکا گام بردارند. اگر هم اروپا می‌خواهد جنگ در غزه و کشتار و جنایت اسرائیلی‌ها تمام شود، باز هم باید با چراغ سبز آمریکا انجام شود و اینجاست که باید دوباره اروپا امتیاز بدهد. با این بلوک جدید شرق، اروپا بیش از پیش به آمریکا نیاز دارد و دوباره باید به آمریکا امتیاز بدهد؛ چون اروپا به‌تهاییه نه قادر به پایان جنگ اوکراین است، نه پایان جنگ غزه را می‌تواند رقم بزند و نه می‌تواند در مقابل روسیه و چین قد علم کند. با این شرایط، به نظر من یک خط تحلیلی این می‌تواند باشد که آمریکایی‌ها یکی از مهم‌ترین امتیازاتی که از اروپا می‌خواستند، فعال‌کردن مکانیسم ماشه و بازگرداندن قطع‌نامه‌های شورای امنیت علیه ایران بود که آن را در نهایت عملیاتی کردند. ضمن آنکه اگر دقت کرده باشید، یکی از شروط اروپایی‌ها در مقوله مکانیسم ماشه، به آقاآز مذاکرات ایران و آمریکا بازمی‌گردد و این نشان می‌دهد که در پشت پرده، اروپا امتیازات خود را به آمریکا

آن چیزی که ترامپ تصور می‌کند با آن چیزی که در صحنه عمل روی داده، کاملاً متفاوت است و اتفاقاً خود دونالد ترامپ هم به این موضوع آگاهی دارد. به همین دلیل است که می‌گوییم جنگ اوکراین، جنگ غزه و پرونده هسته‌ای ایران محدود و در نهایت عملیاتی کردند. ضمن آنکه اگر دقت کرده باشید، یکی از شروط اروپایی‌ها در مقوله مکانیسم ماشه، به آقاآز مذاکرات ایران و آمریکا بازمی‌گردد و این نشان می‌دهد که در پشت پرده، اروپا امتیازات خود را به آمریکا

خبر

انتخاب اعضای جدید هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات و سیاسی تهران

اعضای جدید هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات و سیاسی تهران با حضور نماینده قوه قضائیه و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شدند. به گزارش ایسنا، جلسه انتخاب اعضای جدید هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات و سیاسی تهران از صنف مختلف سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴، با حضور «ناصر سراج»، رئیس تعیین اعضای هیئت‌منصفه، «سیدعباس صالحی»، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین «سیدرضا تقوی»، نماینده رئیس شورای سیاست‌گذاری انشه جمعه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین «محمد قمی»، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و «مهدی چمران»، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، در ستاد حقوق بشر برگزار شد. سراج با اشاره به اهمیت این جلسه اظهار کرد: براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت‌منصفه تشکیل می‌شود و براساس اصل ۴۴ قانون اساسی نشریات و مطبوعات در انتشار مطالب آزادند مگر آنکه مخل مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشد. نماینده رئیس قوه قضائیه افزود: براساس قانون، اعضای هیئت‌منصفه در همراه انتخاب می‌شوند که تعداد این اعضا در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر است که این تعداد در مجموع به ۴۴۱ نفر در سراسر کشور می‌رسد و تاکنون در هشت استان انتخابات برگزار شده است. وی با بیان اینکه امروز اعضای هیئت‌منصفه در تهران از صنف مختلف انتخاب شدند، گفت: محمدحسن رحیمیان، علی‌اکبر اشعری، حسن حمیدزاده، علیرضا سربخش، محمود خسروی‌فوا، حسن خجسته باقرزاده، سیدرمضان موسوی‌مقدم، اکبر نصراللهی، محمدعلی اماتی، باقر انصاری، فرشاد مهدی‌پور، احمد مؤمنی‌راد، مهدخت بروجردی، زهره الویان، علیرضا محجوب، عبدالحسین روح‌الامینی، مرتضی اخوندی، عباس شکرری، علیرضا مختار پورقهرودی و عزت‌الله صرافعی از اعضای این هیئت‌منصفه هستند. سراج ادامه داد: ۲۳۳ قفره پرونده در هیئت‌منصفه سراسر کشور مطرح شد که از این تعداد ۱۳۳ مورد به استان تهران مرتبط است و هیچ محکومیت منجر به حبس در این دو سال نداشته‌یم و به پرداخت جریمه و اقدامات بازدارنده اکتفا شد. نماینده رئیس قوه قضائیه همچنین گفت: طبق ماده ۳۶ قانون مطبوعات، ۱۵ صنف می‌توانند در هیئت‌منصفه شرکت کنند و از هر صنف یک الی دو نفر انتخاب می‌شوند و هیئت‌منصفه جدید از اول آبان شروع به کار خواهند کرد.

فرمانده هوافضای سپاه: آمادگی کامل داریم
فرمانده هوافضای سپاه اعلام کرد جهت مقابله قاطع و سریع با هرگونه تهدید و ماجراجویی دشمن آمادگی کامل داریم. سردار موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دیدار با حجت‌الاسلام احمدرضا پورخاقان، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح، با ارائه گزارش از نقش نیروی هوافضای سپاه در ۱۲ روز جنگ تحمیلی رژیم صهیونی و وضعیت و اقدامات اسرادی صورت‌گرفته پس از جنگ، اعلام کرد: بحمدالله با ترمیم خسارات وارده، آمادگی کامل جهت مقابله قاطع و سریع با هرگونه تهدید و ماجراجویی دشمن را داریم.

فرمانده هوافضای سپاه: آمادگی کامل داریم

فرمانده هوافضای سپاه اعلام کرد جهت مقابله قاطع و سریع با هرگونه تهدید و ماجراجویی دشمن آمادگی کامل داریم. سردار موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دیدار با حجت‌الاسلام احمدرضا پورخاقان، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح، با ارائه گزارش از نقش نیروی هوافضای سپاه در ۱۲ روز جنگ تحمیلی رژیم صهیونی و وضعیت و اقدامات اسرادی صورت‌گرفته پس از جنگ، اعلام کرد: بحمدالله با ترمیم خسارات وارده، آمادگی کامل جهت مقابله قاطع و سریع با هرگونه تهدید و ماجراجویی دشمن را داریم.

شهادت دو نفر از پرسنل سپاه در سروآباد

قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام نیروی زمینی سپاه ضمن تسلیت شهادت دو نفر از پرسنل مسقر در پایگاه‌های عملیاتی سپاه شهرستان سروآباد، با هشدار به عناصر خودفروخته و مزدور ضد انقلاب اعلام کرد این شرارت بدون پاسخ نخواهد ماند و به آمزین و مسبین این اقدام مذبحوحانه پاسخ قاطع داده خواهد شد. به گزارش ایسنا، به نقل از سپاه‌نیوز، مقارن شامگاه روز دوشنبه مورخه چهاردهم مهرماه، به دنبال تعرض و درگیری اشراز مسلح ضد انقلاب به یکی از پایگاه‌های عملیاتی سپاه شهرستان سروآباد، دو نفر از پرسنل مسقر در این پایگاه به نام‌های ایوب شیری و حجت‌الاسلام علیرضا ولی‌زاده به مقام شهادت نائل آمدند.

هر موضوع با پرونده‌ای در سیاست خارجی، یک بازی زمانی مشخص برای حل‌وفصل دارد؛ اگر آن زمان به‌درستی تشخیص داده نشود و در آن زمان عمل نکنیم، بعدها مجبور خواهیم شد با هزینه بیشتر و در یک بروسه پیچیده‌تر، آن را حل‌وفصل کنیم